

بررسی اثر ترکیب درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد در استانهای مختلف ایران (رویکرد داده های تابلویی)

محمد غفاری فرد^۱، محمد حیدری^۲، احمد هومان^۳

^۱ استادیار، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه بین المللی اهل بیت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، دانشگاه بین المللی اهل بیت، تهران، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، دانشگاه بین المللی اهل بیت، تهران، ایران

چکیده

مالیات از مهم ترین منابع تامین مالی دولت است و سیاست گذاری در زمینه درآمدهای مالیاتی می تواند به عنوان ابزارهای مهم دولت برای تحقق اهداف توسعه ای از جمله کاهش نابرابری توزیع درآمد نقش مهمی را ایفا نماید. هدف اصلی این مقاله بررسی اثر ترکیب درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد در استان های ایران می باشد. جهت تحلیل داده ها از روش اقتصادسنجی داده های تابلویی، با استفاده از نرم افزار ایویوز استفاده شده است. به این منظور، از متغیرهای مستقل (مالیات مستقیم، مالیات غیر مستقیم) و متغیرهای کمکی (تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم، هزینه های دولت، زکات به عنوان مالیات اسلامی) بر نابرابری توزیع درآمد (ضریب جینی) استانها استفاده شده است. نتایج حاصل از داده های تابلویی نشان می دهد که، افزایش هر یک از درآمدهای مالیاتی (مالیات های مستقیم و مالیات های غیر مستقیم) روی توزیع برابری درآمد اثر مثبت داشته و شکاف طبقاتی را کاهش می دهد و بیشترین کارایی در کاهش نابرابری توزیع درآمد در استانهای ایران متعلق به مالیات های مستقیم (مالیات بر ثروت، درآمد اشخاص و مشاغل، مالیات بر درآمد شرکتها) است. بنابراین سیاستگذاران اقتصادی جهت بهبود برابری توزیع درآمد در استانهای ایران، باید بیشترین نرخ و پایه مالیاتی را بر ثروت و عایدی سرمایه، درآمد مشاغل و شرکتها در استانهای مختلف ایران وضع نمایند.

واژه های کلیدی: توزیع درآمد، ترکیب مالیاتی، استان های ایران، الگوی داده های تابلویی

۱. مقدمه

بصورت کلی میزان نابرابری توزیع مقداری را می‌توان توسط شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد اندازه‌گیری کرد. توزیع درآمد از دو لحاظ می‌تواند حائز اهمیت باشد. اول این که با توزیع درآمد می‌توان عدالت را بوجود آورد و دوم توزیع درآمد، نرخ پس انداز، سرمایه‌گذاری و تقاضا را در بازارهای مختلف و دیگر عوامل اقتصادی را تحت تاثیر قرار میدهد. درآمد و چگونگی توزیع آن بین طبقات و گروه‌های اجتماعی یکی از مسائل اقتصادی و اجتماعی است، پس باید به نحوه ی توزیع درآمد در میان افراد جامعه توجه بیشتر صورت گیرد. از سوی هم، یکی از راه‌هایی که توزیع درآمد دچار تغییرات می‌شود سیستم مالیاتی است. مالیات از مهم ترین منابع تامین مالی دولت است و سیاست گذاری مالی در زمینه درآمدهای مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزارهای مهم دولت برای تحقق اهداف توسعه‌ای از جمله کاهش نابرابری توزیع درآمد نقش مهمی را ایفا نماید. مالیات از دو طریق می‌تواند روی توزیع درآمد در اجتماع اثر گذار باشد؛ نخست از طریق بودجه سالانه که دولت مالیات‌هایی را بر عایدی مردم وضع نموده و از این طریق درآمدهای بودجه را منظور می‌کند. دوم از طریق مالیات بر فعالیت های اقتصادی که باعث تغییر در درآمد صاحبان تولید از طریق معاملات شان می‌گردد. سیاست‌های مالیاتی دولت می‌تواند بصورت قطعی روی کاهش نابرابری توزیع درآمد و توزیع مجدد درآمد موثر واقع شود. در اکثر کشورهای توسعه یافته، سیاست‌های توزیعی دولت از طریق سیاست‌های مالیاتی صورت می‌گیرد. طوریکه دولت برای بهتر شدن توزیع درآمد، مالیات‌های بیشتری از گروه‌های بالای درآمدی دریافت کرده و با افزایش مالیات‌های درآمدی، خدمات بیشتری را بصورت تأمین اجتماعی در اختیار گروه‌های فقیر جامعه قرار می‌دهد. در واقع این سیاست‌ها می‌تواند درآمد گروه‌های بالای افراد را به گروه‌های پایین از افراد جامعه منتقل نماید، نقش مهم را در بهبود توزیع درآمد و کمک به اقشار محروم ایفا کند. باتوجه به اهمیت مالیات بر توزیع درآمدهای مالیاتی، تحقیق حاضر به بررسی ترکیب درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با استناد از روش داده‌های تابلویی و در محیط نرم افزار Eviews9 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سوال تحقیق این است که آیا ترکیب درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد در استان‌های ایران اثرگذار است؟ فرضیه مطرح شده دلالت بر تاثیرگذاری معنادار درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمدهای مالیاتی استان‌های ایران نشان می‌دهد. لذا، بطور کلی می‌توان گفت تاثیر انواع مختلف مالیات‌ها بر توزیع درآمد به بار مالیاتی منتقل شده بستگی دارد.

۲. مبانی نظری

مالیات یکی از اساسی ترین زیر ساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین اداری و اجرایی دولت وصول شود. در جهان امروزی مالیات از یک طرف بخش نسبتاً بزرگی از درآمد دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر مالیات مبین رابطه فرد با دولت نیز دانسته میشود و روی هم رفته زمینه‌ی را برای برقرار نمودن روابط اتباع یک کشور را با موسسات مالی آن کشور فراهم می‌سازد (صمدی و همکاران: ۱۳۸۷). مالیات را می‌توان به دو صورت دریافت کرد؛ مستقیم و غیر مستقیم. مالیات مستقیم به مالیاتی گفته می‌شود که از اشخاص حقیقی یا شرکت‌ها به استناد قانون اخذ می‌گردد و متمایز از مالیاتی است که بر کالا و خدمات غیرمستقیم وضع می‌گردد. مالیات‌های مستقیم شامل: مالیات بر اشخاص حقیقی، مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت و مالیات‌های غیرمستقیم شامل: مالیات بر واردات و مالیات بر کالا و خدمات می‌باشد. افراد پرداخت کننده ی مالیات‌های مستقیم نمی‌تواند آن را به دیگری منتقل نماید، یعنی اگر این نوع مالیات وضع گردد، افراد حقیقی یا حقوقی می‌بایست با

توجه به میزان درآمد یا ثروت خود آن را پرداخت کنند که باعث کاهش شکافهای طبقاتی می‌شود. از جهت دیگر، مالیات‌های غیرمستقیم نقش کمتری در بهبود توزیع درآمد دارند؛ زیرا که بار بیشتر آن‌ها بر دوش افراد کم درآمد سنگینی می‌کند (جعفری صمیمی، ۱۳۹۱: ۲۹۳). از اینروست که مالیات‌ها یکی از اجزای بسیار مهمی سیاست‌های دولت در بهبود توزیع درآمد هستند. یعنی همه مالیات‌ها اثر درآمدی دارند و به نحوی در توزیع درآمد موثرند. اما اثر هر مالیاتی بر توزیع درآمد بر حسب نوع مالیات، پایه‌های مالیاتی و نرخ‌های مالیاتی متفاوت است. طوریکه مالیات‌های تنازلی آثار نامناسب، مالیات‌های تناسبی بی اثر و مالیات‌های تصاعدی آثار مطلوبی بر توزیع درآمد دارند (هادی امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰۰). از میان مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، مالیات‌های مستقیم به خصوص مالیات بر ثروت که یکی از زیر شاخص‌های مالیات‌های مستقیم است، به علت برخورداری از سیستم‌های تصاعدی در پرداخت اثر مثبت بر کاهش نابرابری دارد، زیرا مالیات‌های غیرمستقیم اکثراً طبیعت تنازلی دارند و به همین دلیل بار این مالیات بیشتر بر دوش افراد کم درآمد هستند (دهمرد، و همکاران ۱۳۸۹: ۳۴). افزون بر این، اثر مالیات شرکت‌ها بر توزیع درآمد U شکل است. یعنی برای شرکت‌های بزرگ و کوچک موجب یک چالش گردیده و برای شرکت‌های متوسط موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود. در مقابل مالیات‌های غیرمستقیم اثرات مخربی بر توزیع درآمد دارد. زیرا در ساده ترین شکل آن نرخ واحد برای تمامی معاملات شامل مالیات در نظر گرفته می‌شود و از آنجاییکه میل نهائی افراد دارای درآمد کم، بیشتر از افراد پر درآمد در مصرف کالا و خدمات است باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌گردد (طیب نیا، ۱۳۸۵). و در بعضی از اوقات مالیات بر کالا و خدمات که یکی از زیرشاخص مالیات غیر مستقیم می‌باشد، می تواند نابرابری توزیع درآمد را کاهش می‌دهد. چون اگر برکالای تجملی مالیات بیشتری وضع شود چون انسان‌ها فطرتاً کالای تجملی را دوست دارد، با لحاظ کردن مالیات بر این کالا که موجب افزایش قیمت همان کالا می‌گردد افراد که دارای درآمد کم می‌باشد، کالای تجملی بیشتری را مصرف نمی‌کند و این خودش باعث می‌گردد که نابرابری توزیع درآمد را کاهش دهد.

کلاسیک‌ها توزیع عادلانه مالیات را بین اقشار مختلف جامعه به شرطی مطرح می‌کند که مالیات‌ها توانایی برآورده ساختن وظایف دولت چون حفظ امنیت عمومی و موارد چون بهداشت و آموزش را داشته باشد و تاکید بر این دارد که توزیع درآمد بر اساس مالکیت عوامل تولید مطرح گردد. آنان معتقد هستند مالیاتی که اخذ می‌شود نباید پس انداز شود؛ به این معنی که پول به دست آمده مصرف شود و توزیع درآمد باید از این طریق صورت گیرد. از دیدگاه آنها در اقتصاد دو نوع توزیع مطرح است؛ توزیع اولیه از پیامدهای عمل طبیعی متغیرهای اقتصادی (سازوکار بازار) حاصل می‌شود و توزیع ثانویه که در راستای تصحیح نادرستی‌های توزیع اولیه و با اعمال سیاست‌های دولت تحقق می‌یابد به عنوان توزیع مجدد می‌شناسد (رویو، ۱۳۹۰: ۱۲۳). آدم اسمیت ثنوری توزیع درآمد را نتیجه ثنوری قیمت می‌داند و معتقد است همان‌گونه که قیمت یا ارزش یک کالا شامل ارزش عوامل تشکیل دهنده آن است، ارزش تولید ملی نیز شامل ارزش عوامل تشکیل دهنده آن خواهد بود که میان افراد به صورت دستمزد، سود و بهره توزیع می‌شود. همچنین تاکید می‌ورزد در صورت که تولید افزایش یابد، رشد اقتصادی حاصل می‌شود و از این طریق با پیشرفت فنی و افزایش میزان سرمایه گذاری، رشد اقتصادی بوجود می‌آید و این باعث می‌شود که میزان سطح دستمزد به مرور زمان از سطح دستمزد معیشتی فاصله بگیرد و این افزایش سطح دستمزد، نقش موثری در بهبود وضعیت اقتصادی اقشار فقیر جامعه داشته باشد. ولی در حالت رکود اقتصادی میزان دستمزدها در سطح پایین قرار گرفته و این امر موجب میشود نیروی کار فقیرتر گردیده و افزایش فقر نیروی کار باعث فقیر شدن جامعه خواهد شد (هادی امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶۷). به طور کلی کلاسیک‌ها، تولید را عامل افزایش تقاضا و افزایش تقاضا را عامل افزایش درآمد می‌دانند و معتقدند که بی ثباتی‌های حاصل از تولید به تغییرات درآمد و نابرابری‌های درآمدی منجر می‌شود (همان: ۲۶۵).

دیدگاه کینزین‌ها در این رابطه، تقویت نظام رفاه اجتماعی و افزایش وظایف دولت در حوزه‌های مختلف است. به اعتقاد این مکتب، هدف اصلی مالیات جبران ناکارآمدی بخش خصوصی در زمینه ارائه خدمات عام‌المنفعه می‌باشد و مقصد نهایی مالیات‌ها، کالاهای عمومی مانند نظم و قانون راه‌های آموزش و بهداشت و تحقیقات علمی است که بیشترین خیر را به پرشمارترین بخش جامعه می‌رسانند. تولیدکنندگان بخش خصوصی، معضلاتی مانند آلودگی هوا را پدید می‌آورند که دولت با استفاده از مالیات‌ها این گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند. پس به وضوح می‌توان دید که سیاست‌های توزیع درآمد برای کینزین‌ها نسبت به کلاسیک‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است (رنگیز و خورشید، ۱۳۷۸: ۲۳). همچنین نظریه کالاهای استحقاقی توسط ماسگریو^۱ (۱۹۵۹) با تأکید بر نقش دولت در استفاده از ابزارهای مالیات و یارانه برای توزیع درآمد ارائه شد. بر اساس این نظریه خانواده‌ها باید کالا و خدمات را بر اساس نیازهای شان حتی بدون کسب درآمد مصرف کنند و مالیات در اقتصاد نقش‌های متفاوتی را مانند تثبیت، توزیع درآمد و تخصیص ایفا می‌کند. به عقیده وی، تثبیت به وظیفه دولت در اجرای فعالیت‌های اقتصادی و مصرف نقش بسزایی را دارا خواهد بود. تخصیص به ایجاد کالاها و خدمات عمومی و انتقال درآمد از افراد ثروتمند به افراد قشر فقیر جامعه و توزیع آن درآمد برای داشتن یک جامعه متوازن اشاره می‌کند (دادگر، ۱۳۸۰: ۹۵). علاوه بر آن، بالیر و گلد^۲ (۱۹۹۵) معتقد است که در یک اجتماع معمولاً توزیع درآمد به دلیل افزایش درآمدهای نسبی کارگران درونی که از درآمدهای خود در برابر تغییر قیمت‌ها محافظت می‌کنند نسبت به کارگران بیرونی که از درآمدهای خود در برابر تغییر قیمت محافظت نمی‌کنند نابرابرتر هستند. به باور آنان، دولت با اعمال سیاست‌های مشمول اخذ مالیات از ثروتمندان و انتقال آن به افراد فقیر، جهت کاهش فقر در افراد کارگران بیرونی و جلوگیری از ترک برداشتن توزیع درآمد ناشی از تورم، عمده‌تأ نارسا هستند. در حالیکه افراد مثل بلانک و بیلندر^۳ (۱۹۸۶)، به این باورند که نرخ کم و پایداری تورم می‌تواند بر وضعیت اقتصادی از جمله کاهش بیکاری و توزیع مناسب‌تر درآمد اثر مثبت داشته است (دهمرد و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۲).

از جانب دیگر، یکی از عوامل که روی توزیع درآمد، رشد اقتصادی و تولید اثرگذار است، مالیات‌های اسلامی می‌باشد. طبق احکام و شریعت اسلامی، زکات یکی از مالیات‌های اسلامی است. این شاخص بصورت کلی تابع فزاینده از درآمدها می‌باشد که مطابق قوانین شریعت، پرداخت آن به مقدار رسیدن درآمد به یک حد نصاب است (عزتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۸) و مسلمانان به صورت اختیاری زکات می‌پردازد و این خودش می‌تواند باعث دستیابی به توزیع عادلانه درآمد گردد. در زکات افراد ثروتمند بخشی از درآمدهای خویش را در یک دوره زمانی معین در اختیار فقیران قرار می‌دهد. طبق اصول پیگو و بر اساس قانون نزولی بودن، آخرین واحدهای درآمدی برای افراد که دارای درآمد زیاد می‌باشد مطلوبیت کمتری نسبت به افراد که دارای درآمد کم است دارد. و بر عکس این موضوع، افراد که دارای درآمد کمتری هستند آخرین واحدهای درآمدی برایشان مطلوبیت بیشتری خواهد داشت. بنابراین افراد ثروتمند برای اختصاص درآمد شان به عنوان مالیه اسلامی (زکات) حساسیت چندانی نشان نمی‌دهد و برای همین ثروتمندان انگیزه بیشتری در پرداخت مالیات اسلامی (زکات) از خود نشان می‌دهد. پرداخت زکات با وجود اینکه فقر جامعه را کاهش می‌دهد باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد نیز خواهد شد (وره‌رامی، ۱۳۹۵: ۱۳). پرداخت مالیه اسلامی (زکات) که موجب افزایش درآمد در اجتماع می‌گردد به عنوان کاهش فقر و رفع بیکاری در اکثر از کشورهای

^۱Musgrave^۲ Bulir and Gulde^۳ Blank and Blinder

اسلامی مطرح و بکار گرفته شده است. بطور مثال منذر کهف باور دارد که استفاده از مالیه اسلامی (زکات) به عنوان ایجاد کننده درآمد، علاوه بر کاهش رفع فقر و بیکاری باعث بهبود توزیع درآمد در یک اجتماع می‌گردد (همان، ۱۳۹۵: ۱۴).

روایات بسیاری از معصومین (ع) در باره زکات و اهمیت آن وجود دارد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هرگاه خواستی اموال تو زیاد گردد، پس زکات آن را پرداخت کن». امیرالمومنین (ع) فرمودند: «سپس به راستی زکات با نماز وسیله نزدیکی برای مسلمانان قرار داده شده است، هر کس آن را با میل ادا نماید، برای او گناهان و مانع و نگهدارنده از آتش دوزخ است» (دهقان، ۱۳۷۵: ۸۰).

۳. پیشینه تحقیق

مشهدی فراهانی (۱۳۶۹)، به بررسی کارایی نظام مالیاتی ایران در توزیع عادلانه درآمد پرداخته است. نتایج بیانگر آن است که اقلام تشکیل دهنده مالیات های مستقیم نه در سال های قبل از انقلاب و نه پس از آن، تغییرات متجانس و همگونی نداشته و به نسبت های متفاوتی از ظرفیت مالیاتی آن ها بهره گیری شده است و همین امر موجب گردیده عدالت افقی و عمودی در وصول مالیات های مستقیم رعایت نگردد.

فلاحی و همکاران (۱۳۸۸)، تاثیر سیاست های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی را به بررسی گرفته است. نتایج نشان میدهد که سیاست های مالی نظیر مالیات و یارانه باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش رشد اقتصادی شده است. در این تحقیق ضریب جینی که به عنوان شاخص ارزیابی بهبود توزیع درآمد معرفی شده است، نشان میدهد که افزایش درآمد های نفتی و تولید ناخالص داخلی سبب برابری توزیع درآمد و بهبود رشد اقتصادی شده و نرخ رشد جمعیت نقش منفی در رشد اقتصادی داشته است.

سفی پور و همکاران (۱۳۸۹)، در زمینه بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات ها تحقیقی انجام داده اند. نتایج حاکی از آن است که مالیات های مستقیم موجب بهبود توزیع درآمد می‌شوند و مالیات های غیر مستقیم اثرات تخریبی بر توزیع درآمد دارند.

شرافت جهرمی و همکاران (۱۳۸۹)، تاثیر سیاست های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران را به بررسی گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که افزایش سه متغیر مخارج دولت، درآمد مالیات های مستقیم دولت و یا ذخایر قانونی بانک ها نزد بانک مرکزی، باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود و افزایش بدهی بانک ها به بانک مرکزی، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. همچنین تاکید شده است که در بین متغیر های مذکور، تاثیر شاخص مخارج دولت بر توزیع درآمد بیشتر از سایرین بوده است.

رشتی و همکاران (۱۳۹۰)، اثر مالیات بر ارزش افزوده از توزیع درآمد را با استفاده از روش داده های تابلویی و نرم افزار ایووویز به بررسی گرفته است. نتایج حاکی از آن است که کشورهای کم درآمد با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی افزایش می‌یابد و میزان نابرابری درآمد بیشتر می‌شود. اما در کشور های پر درآمد، با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی کاهش می‌یابد و در نتیجه نابرابری درآمد کمتر می‌شود.

گرایی نژاد و چپر دار (۱۳۹۱)، عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران را بر اساس روش OLS تحلیل نموده اند. یافته های تحقیق نشان میدهد که گسترش درآمدهای نفتی و سهم بخش کشاورزی با میزان وصول مالیات ها به تولید ناخالص داخلی رابطه غیرمستقیم و عوامل انگیزشی سازمانی رابطه مستقیم دارد.

درخشی مقدم (۱۳۹۲)، اثر ترکیب مالیاتی بر رشد اقتصادی در ایران را با استفاده از مدل ARDL مورد بررسی قرار داده است. یافته های تحقیق نشان میدهد که به لحاظ درآمد خنثی، مالیات بر واردات کمترین اثر منفی و پس از آن به ترتیب مالیات بر اشخاص حقوقی، مالیات بر ثروت، مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر درآمد اثر منفی روی رشد اقتصادی دارد.

دانیال قربانی و فاطمی (۱۳۹۴)، تاثیر مالیات های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد را در کشورهای منتخب با استفاده از روش داده های تابلویی انجام داده اند. نتایج بیان می کند که مالیات های مستقیم اثر مثبتی بر بهبود توزیع درآمد از جمله کشورهای ایران، عمان و کویت داشته است.

دورباش (۱۳۹۷)، تاثیر مالیات های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد را مورد تحقیق قرار داده است. نتایج بیانگر آن است که مالیات های مستقیم با ضریب جینی رابطه مثبت دارد؛ یعنی باعث تشدید نابرابری در توزیع درآمد می شود. اما رابطه مالیات های غیرمستقیم با ضریب جینی منفی است. به بدین معنی که باعث کاهش نابرابری در توزیع درآمد میشود؛ از این روست که تاکید جدی به مالیات های غیرمستقیم دارد. همچنین اثر متغیر تولید ناخالص داخلی دارایی اثر منفی و معنادار و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی اثر مثبت و معنادار بر توزیع درآمد دارند.

فراحتی (۱۳۹۷) با استفاده از روش رویکرد خود رگرسیونی با وقفه های توزیعی اثر ترکیب مالیات بر توزیع درآمد را در ایران مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می دهد که جایگزینی مالیات بر درآمد برای هر یک از اقلام مالیات بر شرکت ها، مالیات بر ثروت و مالیات بر کالا و خدمات منجر به کاهش نابرابری درآمدی در ایران می شود.

مارتنیز و همکاران^۴ (۲۰۱۲)، تاثیر سیاست های مالیاتی و هزینه بر تقسیم درآمد: شواهد از یک هیئت بزرگ از کشورها را مطالعه نموده است. نتایج بیانگر آن است که مالیات، سیاست ها و هزینه های عمومی دولت به طور کلی روی توزیع درآمد اثر گذار می باشد. طوریکه مالیات بر درآمد شخصی و مالیات بر درآمد شرکتها نابرابری درآمد را کاهش می دهد و مالیات بر مصرف عمومی، مالیات های غیرمستقیم و عوارض گمرکی تاثیر منفی بر توزیع درآمد دارد. اما هزینه ها تاثیر مثبت و سهم بالاتر از تولید ناخالص داخلی در رفاه اجتماعی، آموزش، بهداشت و درمان و مسکن بر توزیع درآمد دارد.

ویلیام و همکاران^۵ (۲۰۱۴)، به مطالعه ی چگونگی تغییر مالیات بر درآمد فردی و رشد اقتصادی بلند مدت پرداخته اند. یافته تحقیق بیان کننده ای آن است که تغییرات مالیاتی تاثیر یکسانی ندارد. طوریکه رشد اصلاحاتی عاملی است که مشوق ها را بهبود می بخشد، یارانه های موجود را کاهش می دهد و سود حاصل از ثروت باد آورده و کسر بودجه جلوگیری می کند. اما این احتمال وجود دارد که باعث ایجاد معاملات بین سهام و بهره وری گردد.

آلویز و همکاران^۶ (۲۰۱۹)، رابطه بین چندین ماده مالیاتی را با میزان نابرابری مصرف و درآمد بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ برای کشور های OECD با استفاده از روش داده های تابلویی به بررسی گرفته است. نتایج بیان می کند که مقادیر آستانه برای مشارکت های تأمین اجتماعی بین ۹،۵۰ تا ۱۱،۸۰ درصد از تولید ناخالص داخلی برای مصارف بلند مدت بدست می آید. در حالیکه برای ترویج کاهش نابرابری درآمدی، سهم تأمین اجتماعی ۱۵،۵۱ درصد را نسبت به تولید ناخالص داخلی نشان میدهد. همچنین از نظر کوتاه مدت و بلندمدت تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد را کاهش میدهد.

^۴ Martinez and et all

^۵ William & Other

^۶ A laves and et all

تحقیق دیگری که بهاتی^۷ و همکاران (۲۰۱۵)، تاثیر مالیات و نقل و انتقالات بر نابرابری درآمد و کسری بودجه (مطالعه موردی پاکستان) انجام داد دریافت که استفاده از نقل و انتقالات یا مالیات بر فروش به تنهایی می‌تواند بر الگوی توزیع درآمد تأثیر بگذارد، اما در عین حال کسری بودجه را هم بدتر کند. علاوه بر این، این مطالعه ترکیبی از سیاست جامع با استفاده از مالیات بر درآمد، مالیات بر فروش و مخارج دولت را به عنوان ابزاری برای سیاست پیشنهاد می‌کند که می‌تواند در بهبود نابرابری درآمد و همچنین اصلاح کسری بودجه کمک کند. با این وجود، این می‌تواند به کاهش وابستگی مالی اقتصاد کمک کند. تحقیق دیگری که بسواس^۸ و همکاران (۲۰۱۷)، نابرابری درآمد، سیاست مالیاتی و رشد اقتصادی نوشت دریافت که کاهش نابرابری درآمدی بین خانواده های دارای درآمد متوسط، رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد. با این حال، کاهش نابرابری درآمد از طریق مالیات بین خانوارهای متوسط و پردرآمد باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این تأثیرات رشد نامتقارن اقتصادی هم به عوامل جانبی تأمین می‌شود (یعنی تغییر در فعالیت های تجاری کوچک و هم در عرضه نیروی کار) و هم به تقاضای مصرف.

۴. معرفی روش و متغیرهای تحقیق

منظور از روش در هر تحقیقی، مجموعه فعالیت‌های است که جهت نیل به هدف پژوهش صورت می‌گیرد. از مشخصه اصلی این روش مناسب، دقیقتر بون آن است که نسبت به سایر روش‌های دیگر قوانین واقعیت را کشف کرده و روابط موجود بین متغیرها را تبیین نماید. تحقیق حاضر از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی و از لحاظ چگونگی و روش کار از نوع تحلیلی - توصیفی می‌باشد. در بخش مطالعات تئوریک، از مطالعات کتابخانه‌ای و در بخش مطالعات آماری، اطلاعات مورد نظر به صورت داده‌های سری زمانی و مقطعی (داده‌های ترکیبی)، از مرکز آمار ایران، نماگرهای مالی اسلامی و بانک داده‌های وزارت اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران گردآوری گردیده و برای تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و استنباطی در نرم افزار Eviews9 با استفاده از مدل اقتصاد سنجی داده‌های تابلویی (پانل دیتا)، برآورد شده است. بنا جدول (۱) متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۱): متغیرهای تحقیق

نام متغیر (لگارت)	نماد	نام متغیر (لگارت)	نماد
ضریب جینی شهری	L(Ginish)	مخارج دولت	L(JU)
تولید ناخالص داخلی سرانه	L(GDP)	مالیات مستقیم	L(DTX)
تولید ناخالص داخلی سرانه به توان ۲	L(GDP2)	زکات	L(Z)
مالیات غیر مستقیم	L(GH)	تورم	L(INF)

با توجه به مبانی نظری در این زمینه، الگوی توزیع درآمد به صورت زیر ارائه شده است:

$$LGINISH = F (LGH, LGDP2, LINF, LJU, LDTX, LZ, LGDP, C)$$

^۷ Arshad Ali Bhatti

^۸ Siddhartha Biswas

در این قسمت به معرفی مختصر هر یک از متغیرهای مورد استفاده در مدل پرداخته شده است:

ضریب جینی (GINI): شاخص اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد می باشد که عددی است بین صفر و یک و معادل است محصور با سطح منحنی لورنز و خط توزیع کاملاً برابر. چنانچه ثروت و منابع جامعه به صورت عادلانه بین افراد و گروه های مختلف جامعه توزیع شده باشد، منحنی لورنز به خط توزیع برابر نزدیک شده و ضریب جینی به سمت صفر میل می کنند و بر عکس. اما اگر ثروت یک جامعه در انحصار یک فرد از جامعه باشد ضریب جینی برابر با یک می شود (تودارو، ۱۳۷۸: ۱۴۲).

تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPs): یکی از معیارهای اندازه گیری در اقتصاد است. تولید ناخالص داخلی سرانه دربرگیرنده مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور توسط شرکت های تولیدی، تولید می شود (همان، ۱۳۷۸: ۱۴۸).

تورم (INF): از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیرمناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می شود (گریوز، ۱۳۹۶: ۶۵).

مالیات غیر مستقیم (GH): مالیات به مثابه یک نوع هزینه اجتماعی است که یک ملت در راستای بهره وری از امکانات و منابع یک کشور موظف است آن را پرداخت نمایند تا توانائی های جایگزینی این امکانات و منابع فراهم شود (فیتزسیمونز، ۱۳۸۹: ۴۵۳).

مخارج دولت (JU): هزینه های جاری دولت هزینه هایی هستند که در زمان حال، منافع را ایجاد نموده و دارای منافع مستقیم در بلندمدت و آینده نیستند. صاحب نظران این نوع هزینه ها را هزینه های مصرفی تلقی می نمایند. این هزینه ها باعث افزایش فوری در تقاضای کل بدون تغییر در طرف عرضه می باشد. همچنین، هزینه های عمرانی هزینه های است که در زمان حال، منافع را ایجاد نمی کند و دارای منافع مستقیم در بلند مدت و آینده هستند. این هزینه ها را سرمایه گذاری بلندمدت تلقی می کند (صمدی، ۱۳۸۷: ۴۳).

مالیات مستقیم (DTX): مالیاتی است که از درآمد شخص حقیقی یا شرکت ها به استناد قانون مالیات اخذ می شود و متمایز از مالیاتی است که بر مصرف کالاها و خدمات وضع می شود (قربانی، ۱۳۹۴: ۶۶).

زکات (Z): زکات از جمله دستورات اسلامی و یکی از فروع دین است که پرداخت آن از دیدگاه بعضی فقها در موارد نه گانه جایز بوده و برخی دیگر آنرا آنقدر گسترش داده اند که شامل هر مال با ارزش می شود. این شاخص بصورت کلی تابع فزاینده ای از درآمدها می باشد که مطابق قوانین شریعت، پرداخت آن به مقدار رسیدن درآمد به یک حد نصاب تعیین شده است (ورهامی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲).

۵. یافته های تحقیق

۵-۱. آماره های توصیفی

با توجه با آن که تمامی اطلاعات استفاده شده در این تحقیق کمی هستند، در مرحله ی نخست جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی استفاده می شود. هدف از ارائه این بخش آن است که با نمایش داده های آماری اولیه ویژگی های متغیر مورد مطالعه در میان جامعه ی آماری معرفی می شود؛ تا بدانیم

جدول (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

تعداد مشاهدات	انحراف استاندارد	مینیمم	ماکزیمم	میانه	میانگین	متغیر (لگاریتم)
۱۵۵	۰,۱۰۴	-۱,۴۶۹	-۰,۹۱۶	-۱,۱۷۱	-۱,۱۵۹	LGINISH
۱۵۵	۸,۶۸۹	۴۱,۸۸۲	۸۲,۹۳۲	۵۱,۹۳۲	۵۴,۵۶۳	LGDP2
۱۵۵	۰,۵۶۲	۶,۴۷۱	۹,۱۰۶	۷,۲۰۶	۷,۳۶۵	LGDP
۱۵۵	۱,۶۱۱	۴,۳۰۹	۱۱,۷۸۲	۷,۷۰۱	۷,۶۳۳	LGH
۱۵۵	۱,۲۳۰	۶,۱۷۰	۱۲,۳۸۳	۷,۷۶۰	۸,۰۲۵	LDTX
۱۵۵	۱,۴۱۵	۶,۹۰۷	۱۹,۱۴۳	۱۷,۲۴۵	۱۷,۰۶۳	LZ
۱۵۵	۰,۴۳۰	-۲,۲۹۳	-۰,۹۳۸	-۱,۴۷۰	-۱,۵۳۰	LINF
۱۵۵	۰,۳۲۷	-۱,۹۵۳	-۰,۲۶۳	-۰,۹۰۱	-۰,۹۲۳	LJU

جهت تحلیل‌های خود با چه مبانی سر و کار داشته باشیم. چرا که این شناخت ما را در تعمیم نتایج و تحلیل ارتباطات بین متغیرهای اساسی تحقیق یاری خواهد نمود (خانلو، ۱۳۹۶: ۴۷). در جدول (۲)، آمار توصیفی مربوط به میانگین، میانه، ماکزیمم، مینیمم، انحراف استاندارد و تعداد مشاهدات متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ آورده شده است.

۲-۵. آزمون هم‌انباشتگی

دو سری زمانی y_t و x_t را هم‌انباشته با مرتبه (b, d) ، $d \geq b > 0$ می‌نامیم. اگر هر دو سری زمانی دارای مرتبه انباشتگی d باشند و یک رابطه خطی مانند $a_1 y_t + a_2 x_t$ با مرتبه $(d-b)$ بین آن‌ها برقرار باشد. این تعریف را به زبان ریاضی چنین می‌نویسیم:

$$x_t \sim I(d), y_t \sim I(d)$$

$$\Rightarrow y_t, x_t \sim CI(b, d)$$

$$a_1 y_t + a_2 x_t \sim I(d-b)$$

که در آن CI نماد هم‌انباشتگی است. بردار ضرایب تشکیل دهنده ترکیب خطی دو سری زمانی، یعنی $[a_1, a_2]$ را بردار هم‌انباشتگی می‌نامند (صدیقی، ۱۳۸۶: ۴۱۱). به بیان دیگر، مفهوم اقتصادی هم‌انباشتگی آن است که وقتی دو یا چند متغیر سری زمانی بر اساس مبانی نظری با یکدیگر ارتباط داده می‌شوند؛ یک رابطه تعادلی بلندمدت را شکل دهند. بنابراین هم‌انباشتگی تداعی‌کننده‌ی وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند (نوفرستی، ۱۳۹۲: ۷۶).

با توجه به اینکه داده‌های پانلی نیز ممکن است نایب باشند، لذا هم‌انباشتگی و آزمون آن در این نوع داده‌ها نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. همانند آزمون‌های ایستایی، آزمون‌های هم‌انباشتگی در داده‌های پانلی نیز از آزمون‌های هم‌انباشتگی برای واحدهای مقطعی بصورت جداگانه قوی‌تر هستند. زیرا این آزمون‌ها حتی در شرایطی که دوره زمانی کوتاه مدت و اندازه نمونه کوچک است نیز قابلیت استفاده دارند. برای انجام آزمون هم‌انباشتگی داده‌های پانلی، پدرونی^۹ (۲۰۰۴) و کائو^{۱۰} (۱۹۹۹) پس از برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرها، مانند آنچه در مورد سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی انجام می‌شود، از آماره‌های دیکی-فولر برای آزمون هم‌انباشتگی استفاده کردند:

$$DF_{\rho} = \frac{\sqrt{NT}(\hat{\rho} - 1) + 3\sqrt{N}}{\sqrt{1.2}}$$

$$DF_t = \sqrt{1.25t_{\rho}} + \sqrt{1.875N}$$

در رابطه‌ی فوق ρ ضریب رگرسیون خطای بلندمدت روی وقفه خطاهای حاصل از تخمین مدل به روش ترکیبی (eit) بصورت زیر است:

$$\hat{e}_{it} = \rho \hat{e}_{it-1} + \mu_i$$

N در آماره‌های DF_{ρ} و DF_t نشان دهنده تعداد مقاطع و T مقدار t استاندارد ضریب رابطه بالا می‌باشد. آماره‌های استخراج شده هردو دارای توزیع نرمال استاندارد با میانگین صفر و واریانس یک می‌باشند. فرض‌های انجام آزمون هم‌انباشتگی داده‌های پانلی به صورت زیر است:

$$H_0 : \rho = 1$$

$$H_1 : \rho < 1$$

فرض صفر بیانگر عدم هم‌انباشتگی بین متغیرها و تمام واحدهای مقطعی و فرضیه مخالف نشان دهنده وجود هم‌انباشتگی بین متغیرها است (رضازاده، ۱۳۹۶: ۳۸). نتایج حاصل از آزمون هم‌انباشتگی کائو در جدول (۳) آورده شده است:

جدول (۳). آزمون هم‌انباشتگی کائو

احتمال	آماره	آزمون کائو
۰,۰۰۰	-۵,۰۹۵	

منبع: محاسبات تحقیق

طوری‌که در جدول (۳)، ملاحظه می‌شود؛ با توجه به آماره ADF و احتمال مربوط به آن (کمتر از ۰,۰۵) وجود هم‌انباشتگی در مدل پذیرفته می‌شود. به عبارتی دیگر فرضیه H_0 مدل مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی رد شده و می‌توان ادعا نمود که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل یک رابطه بلندمدت وجود دارد.

^۹ Pedruni

^{۱۰} Kao

۳-۵. آزمون چاو

گاهی اوقات داده‌هایی که ما با آن‌ها روبرو هستیم هم دربرگیرنده داده‌های سری زمانی و هم مقطعی می‌باشد. به چنین مجموعه‌ای از داده‌ها عموماً پانل دیتا گفته می‌شود. در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که به مدل تلفیقی (Pooled Data) مشهور است و حالت دوم، عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به آن مدل داده‌های تابلویی (Panel Data) گفته می‌شود. برای شناسایی این دو حالت از آزمونی به نام چاو (اف-لیمر) استفاده می‌شود (علی فقه مجیدی، ۱۳۹۳، ۱۹۷). بنابراین آزمون F - لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون تلفیقی و رگرسیون با اثرات ثابت استفاده می‌شود. فرضیه‌های این آزمون به صورت زیر بیان می‌شود:

H₀: Pooled Model

H₁: Fixed Effect Model

فرضیه‌ی اول بر اساس مقادیر مقید و فرضیه‌ی مقابل آن بر اساس مقادیر غیرمقید است (مقبلی، ۱۳۹۶: ۵۹).

آماره‌ی آزمون چاو بر اساس مجموع مربعات خطای مدل مقید و مدل نامقید به صورت زیر خواهد بود:

$$Chow = \frac{RRSS - URSS / N - 1}{URSS / NT - N - K} \sim F_{[(N-1), (NT-N-K)]}$$

در رابطه فوق، N تعداد مقاطع، K تعداد متغیرهای توضیحی و T تعداد مشاهدات در طول زمان است. اگر F محاسبه شده از جدول با درجه‌ی آزادی (N-1) و (NT-N-K) بزرگتر باشد فرضیه‌ی H₀ رد می‌شود، بنابراین مدل رگرسیونی به روش داده‌های تابلویی تخمین زده می‌شود (یاقوتی جعفرآباد، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۱). نتایج آزمون چاو یا F لیمر در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴). آزمون چاو یا F لیمر

احتمال	آماره
۰,۰۰۰	۱۵,۱۸۱
آزمون چاو	

منبع: محاسبات تحقیق

چنانچه در جدول (۴) مشاهده می‌شود، F محاسبه شده شهری که برابر با ۱۵,۱۸۱ است، که بزرگتر از F جدول بوده و بیانگر معنی‌داری اثرات ثابت هستند؛ لذا با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد می‌توان گفت فرضیه صفر رد و استفاده از داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

۴-۵. آزمون هاسمن

پس از این‌که از طریق آزمون چاو مشخص گردید باید از روش پانل دیتا برای تخمین مدل استفاده شود، جهت تعیین نوع مدل داده‌های تابلویی (مدل اثرات ثابت^۱ یا مدل اثرات تصادفی^۲) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. آزمون هاسمن بر پایه وجود یا

^۱ Fixed Effect

عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل استوار است. در صورت تأیید این ارتباط، مدل اثر ثابت و در صورت عدم وجود این ارتباط، مدل اثر تصادفی خواهد داشت. فرضیه H_0 بیانگر عدم ارتباط بین متغیرهای مستقل و خطای تخمین و فرضیه H_1 نشان‌دهنده وجود ارتباط است (مقبلی، ۱۳۹۶: ۶۰). فرضیه‌های آزمون هاسمن به صورت زیر می‌باشد:

$$H_0 : E(\varepsilon_{it} / X_{it}) = 0$$

$$H_0 : E(\varepsilon_{it} / X_{it}) \neq 0$$

مفهوم فرض صفر آن است که U_i ها مستقل از X_{it} (یعنی مدل اثر تصادفی) است. این آزمون به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$m = \hat{q}'_1 \left[\text{var}(\hat{q}_1) \right]^{-1} \hat{q}_1$$

تحت فرض H_0 این آماره، توزیع χ^2_k با k درجه آزادی دارد، که k همان تعداد متغیرهای توضیحی یا تعداد β ها است. اگر مقدار به دست آمده (m) از χ^2_k بیش‌تر بود، فرض H_0 یعنی اثر تصادفی رد می‌شود و فرض اثر ثابت پذیرفته می‌شود (مقبلی، ۱۳۹۶: ۶۰). بعد از انجام آزمون هاسمن می‌توان مدل مناسب را انتخاب کرد.

جدول (۵). نتایج آزمون هاسمن

احتمال	آماره	آزمون هاسمن
۰,۰۱۱۴	۱۸,۱۳۷	

منبع: محاسبات تحقیق

چنان‌چه در جدول (۵) ملاحظه می‌شود، با توجه به آن‌که مقدار آماره احتمال آزمون هاسمن کوچکتر از ۰,۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر این‌که مدل دارای اثر ثابت است تأیید شده؛ بنابراین مدل این تحقیق باید به صورت اثرات ثابت تخمین زده می‌شود.

۵-۵. برآورد مدل

با توجه به آزمون‌های انجام‌شده، جهت برآورد رابطه میان ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقلی هم‌چون تورم، مالیات درآمد، مالیات بر کالا و خدمات، نیروی کار، مالیات بر اشخاص حقوقی، هزینه‌های جاری و عمرانی، مالیات مستقیم و زکات، به روش اثرات تصادفی مدل زیر ارائه می‌شود:

$$\ln(GINI) = a_{it} + \ln(\beta_1 GDP) + \ln(\beta_2 GDP) + \ln(\beta_3 DTX) + \ln(\beta_4 Z) + \ln(\beta_5 INF) + \ln(\beta_6 GH) + \ln(\beta_7 JU)$$

Random Effect

نتایج این برآورد برای ۳۱ استان کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ با استفاده از نرم‌افزار Eviews 9 در جدول (۶)، آورده شده است:

جدول (۶): نتایج حاصل از برآورد مدل

متغیر وابسته: ضریب جینی			
احتمال (Prop)	آماره t	ضریب	متغیرهای توضیحی
۰,۰۰۲۴	-۳,۱۰۸	-۳,۹۸۶	C
۰,۰۰۱۸	-۳,۲۰۲	-۰,۰۵۲	L(GDP2)
۰,۰۰۵۲	۲,۸۵۰	۰,۸۲۸	L(GDP)
۰,۰۰۰۰	-۷,۲۹۸	-۰,۰۲۵	L(DTX)
۰,۰۰۰۵	-۳,۵۵۷	-۰,۰۰۹	L(Z)
۰,۲۴۵۶	-۱,۱۶۶	-۰,۰۰۲	L(GH)
۰,۰۰۰۰	-۴,۲۲۱	-۰,۰۲۸	L(INF)
۰,۰۰۰۳	۳,۷۳۷	۰,۰۲۳	L(JU)

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج تحقیق که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود، که مالیات‌های مستقیم باعث کاهش نابرابری توزیع درآمد می‌گردد و اگر مالیات مستقیم یک درصد افزایش نماید پس نابرابری درآمد به اندازه ۰,۰۲۵۶ درصد کاهش خواهد یافت. مالیات مستقیم بیشترین اثر را در این مدل دارد چون ضریب متغیر مستقیم خیلی بهتر از دیگر متغیرها است. و در بخش هزینه‌های جاری و عمرانی، در این بخش با افزایش هزینه‌های دولت که بیش از ۸۵ درصد هزینه‌های دولت را هزینه جاری تشکیل می‌دهد پول در جامعه زیاد شده و باعث افزایش تورم می‌گردد. اگر هزینه‌های جاری و عمرانی یک درصد افزایش نماید پس نابرابری توزیع درآمد به اندازه ۰,۰۲۳۸ درصد افزایش خواهد یافت. و همین‌طور در بخش زکات، به هر اندازه که مالیات اسلامی (زکات) در جامعه افزایش نماید، باعث می‌گردد که روی کاهش نابرابری توزیع درآمد اثر گذار باشد. یعنی با افزایش یک درصد زکات در اجتماع به اندازه ۰,۰۰۹۵ درصد نابرابری توزیع درآمد کاهش خواهد کرد. بر خلاف دیدگاه رایج، افزایش تورم نیز از طریق کاهش ارزش بدهی بدهکاران و نیز از طریق کانال بیکاری می‌تواند وضعیت توزیع درآمد را بهبود بدهد. ضریب تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که فرضیه کزنس در استانهای ایران مورد تایید است به نحوی که در ابتدای افزایش رشد اقتصادی، نابرابری را بین استانهای ایران افزایش می‌دهد اما در بلند مدت رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمد در استانها خواهد شد.

آماره F که بیانگر معناداری کل رگرسیون می‌باشد، با مقدار ۱۷,۷۸۲ و احتمال ۰,۰۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل برآورد شده با احتمال ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. اندازه $R^2 = ۰,۸۴$ نشان می‌دهد که حدود ۸۴ درصد از تغییرات جینی بین استان‌های کشور را متغیرهای موجود در مدل توضیح می‌دهد؛ یعنی مدل از قدرت توضیح‌دهندگی خوبی برخوردار است. آزمون دوربین-واتسون^۳ (DW) جهت تشخیص وجود و یا عدم وجود مشکل خودهمبستگی در مدل استفاده می‌شود. در صورتی که این آماره در بازه‌ی ۱,۵ تا ۲,۵ قرار بگیرد بیانگر آن است که مشکل خودهمبستگی در مدل وجود ندارد (رفعت و جزئی‌زاده،

^۳Durbin-Watson

۱۳۹۵: ۴۲). از آنجایی که مقدار آزمون دوربین- واتسون به دست آمده در مدل ۲,۰۶ است؛ بنابراین مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است.

۶. نتیجه گیری

درآمد و چگونگی توزیع آن بین طبقات و دهک های درآمدی یکی از مسائل اقتصادی و اجتماعی است، پس باید به نحوه ی توزیع درآمد در میان افراد جامعه توجه بیشتر صورت گیرد. از طرفی، یکی از راههایی که توزیع درآمد دچار تغییرات می شود سیستم مالیاتی است. مالیات از مهم ترین منابع تامین مالی دولت است و سیاست گذاری مالی در زمینه درآمدهای مالیاتی می تواند به عنوان ابزارهای مهم دولت برای تحقق اهداف توسعه ای از جمله کاهش نابرابری توزیع درآمد نقش مهمی را ایفا نماید.

ترکیب درآمدهای مالیاتی نیز بر روی توزیع درآمد اثر گذار است. مالیات ها هم به دو نوع اخذ می گردد، مالیات های مستقیم و مالیات های غیر مستقیم. مالیات های مستقیم شامل، مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت و مالیات بر اشخاص حقوقی می باشد و مالیات های غیر مستقیم شامل، مالیات بر واردات و مالیات بر کالا و خدمات می گردد. بررسی اثر ترکیب درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد در استان های ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفت. جهت تحلیل داده ها از روش اقتصاد سنجی داده های تابلویی، با استفاده از نرم افزار ایویوز استفاده شده است بر اساس نتایج بدست آمده از این مقاله، مالیات های مستقیم در استان های ایران روی توزیع درآمد اثرات مثبت دارد. یعنی با افزایش مالیات های مستقیم توزیع نابرابری درآمد کاهش پیدا می کند و در این مدل مالیات مستقیم بیشترین کارایی را دارد چون ضریب متغیر مالیات مستقیم خیلی بیشتر نسبت به سایر متغیرهای این مدل بر توزیع درآمد اثر دارد. در بعضی از اوقات مالیات های غیر مستقیم نظیر آن مالیات بر کالا و خدمات، می تواند مانند مالیات های مستقیم روی کاهش نابرابری توزیع درآمد اثر گذار باشد. مثلاً در بخش کالای تجملی، اگر مالیات بر کالای تجملی افزایش نماید چون اکثراً افراد که دارای درآمد کم است، مصارف بیشتر دارد، دیگر کالای تجملی خریداری نمی کند می تواند با صرف نظر از این کالا روی توزیع نابرابری درآمد اثر بگذارد یعنی باعث کاهش نابرابری توزیع درآمد گردد. ولی اگر کالاها، کالای ضروری باشد می تواند عکس قضیه صورت بگیرد. با افزایش مالیات بر کالا و خدمات باعث افزایش نابرابری توزیع درآمد گردد نتایج نشان می دهد که یک درصد مالیات های مستقیم افزایش نماید باعث می گردد که توزیع نابرابری درآمد به اندازه ۰,۰۲۱ درصد کاهش یابد. و به هر اندازه که مالیات بر کالا و خدمات افزایش نماید باعث می گردد که توزیع نابرابری درآمد به اندازه ۰,۰۲۳ درصد کاهش نماید.

بنابراین سیاستگذاران اقتصادی جهت کاهش نابرابری توزیع درآمد (ضریب جینی) در استان های مختلف ایران، اگر روی نرخ و پایه های جدید مالیات مستقیم (درآمد اشخاص، مالیات بر عایدی ثروت و درآمد شرکت ها) مالیات بیشتری وضع نماید باعث می گردد که نابرابری درآمد کاهش بیشتری پیدا نماید. از طرفی دولت ها از طریق افزایش مالیات غیرمستقیم بر کالاهای لوکس و تجملی در مناطق مختلف کشور نیز میتوانند شکاف طبقاتی در استان های مختلف ایران را بهبود دهند.

منابع و مراجع

۱. تودارو، مایکل (۱۳۸۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم؛ غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، چاپ هشتم.
۲. خانلو، امیر سلاله (۱۳۹۶). تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی غیر دولتی - غیر انتفاعی راه دانش بابل.
۳. گریوز، بتینابین (۱۳۹۶). پول و تورم، انتشارات کتابدار توس.
۴. دادگر، یدالله (۱۳۸۰). مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت.
۵. درخشی مقدم، سعید (۱۳۹۲). بررسی اثر ترکیب مالیاتی بر رشد اقتصادی در ایران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. دهمرده، نظر؛ و صفدری، مهدی؛ و شهیکی تاش مهیم (۱۳۸۹). تاثیر شاخص های کلان بر توزیع درآمد در ایران ۱۳۵۳-۱۳۸۶، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۴، صفحات ۵۵-۲۵.
۷. دهقان، اکبر (۱۳۷۵). زکات در اسلام، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. دورباش، معصومه (۱۳۹۷). بررسی تاثیر مالیات های مستقیم و غیر مستقیم بر توزیع درآمد با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۲، صفحات ۶۸-۴۷.
۹. رنگرز، حسن و خورشیدی، غلام حسین (۱۳۷۷). مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت، تهران: انتشارات بازرگانی.
۱۰. رضازاده، علی و فتاحی، فهمیده (۱۳۹۶). تاثیر توسعه مالی بر اقتصاد سایه ای در ایران: رویکرد هم انباشتگی با لحاظ شکست ساختاری، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۳، صفحات ۶۳۹-۶۱۹.
۱۱. رفعت، بتول و جزی زاده، الهه (۱۳۹۵). بررسی اثر توسعه مالی استانی بر توزیع درآمد استانی در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال شانزدهم، شماره سوم، صفحات ۴۶-۲۹.
۱۲. رشتی، ناریس امین؛ و میلانی، مژگان رفعت (۱۳۹۰). بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۱.
۱۳. سیفی پور، رویا؛ و رضایی، محمد قاسم (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات ها، پژوهشنامه مالیات، شماره دهم، صفحات ۱۲۴-۱۲۳.
۱۴. شرافت جهرمی، محمد ناصر؛ و تاجی، زیرنگین (۱۳۸۹). تاثیر سیاست های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲، صفحات ۴-۳.
۱۵. صدیقی، اچ. آر، ولولر، کی. ا (۱۳۸۶). اقتصاد سنجی رهیافت کاربردی، تهران: انتشارات آوای نور.
۱۶. صمدی، سعید؛ زاهد مهر، امین؛ فرامرزی، ایوب (۱۳۸۷). بررسی اثر سیاست های مالی دولت بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران، مجله دانش و توسعه، شماره ۴۹، صفحات ۱۱۹-۹۹.
۱۷. طیب نیا، علی (۱۳۸۴). «مقدمه بر اصلاح نظام مالیاتی ایران»، طرح تحقیقاتی؛ سازمان امور مالی کشور، دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده.
۱۸. عزتی، مرتضی و نورمحمدلو و پروانه (۱۳۹۱). برآورد اثر متغیرهای کلان بر انفاق، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال ۲۰، شماره ۶۳، صفحات ۱۵۴-۱۳۳.
۱۹. فتوحی خانکهدانی، محبوبه؛ و ستوده، زهرا (۱۳۹۷). اصول حسابداری کاربردی، انتشارات نگره، چاپ اول.

۲۰. فراهتی، محبوبه (۱۳۹۷) اثر ترکیب مالیاتی بر توزیع درآمد در ایران: رویکرد خودرگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL). مجله نظریه های کاربردی اقتصاد، دوره ۵، شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۸، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۱۸۵-۲۱۲
۲۱. فلاحتی، علی؛ و الماسی، مجتبی؛ و آقایی، فاطمه (۱۳۸۸). تاثیر سیاست های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال های ۱۳۵۲-۱۳۸۴، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، شماره ۱۱. صفحات ۱۳۱-۱۰۹.
۲۲. فیتزسیمونز، جیمز؛ و فیتزسیمونز، مونا (۱۳۸۹). مدیریت خدمات: استراتژی، عملیات و تکنولوژی اطلاعات (جلد دوم)، مترجم: اعرابی، سید محمد و ایزدی، داود، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۳. قربانی، محمد دانیال؛ و فاطمی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تاثیر مالیات های مستقیم و غیر مستقیم بر توزیع درآمد در کشور های منتخب، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۶.
۲۴. گریوز، بتینابین (۱۳۹۶). پول و تورم، مترجم: سید مرتضی موسوی مجد، انتشارات ابومسلم، چاپ اول.
۲۵. گرایبی نژاد، غلامرضا؛ و چپر دار، الهه (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۰. صفحات ۷۴-۷۲.
۲۶. ورهرامی، ویدا؛ و گیگلو، جابر لایق؛ و گیگلو، وحید لایق (۱۳۹۵). (تاثیر زکات بر توزیع درآمد در ایران طی سال های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۰، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۲۵. صفحات ۲۶-۹.
۲۷. مشهدی فراهانی، علیرضا (۱۳۶۹). بررسی کارایی نظام مالیاتی ایران در توزیع عادلانه درآمد: پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۲۸. مقبلی، نفیسه (۱۳۹۶). تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران و منتخبی از کشورهای عضو منا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۲۹. هادی، امیری و شهنازی، روح الله؛ و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۹۴). اقتصاد بخش عمومی ۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. یاقوتی جعفر آباد، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب اسلامی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۱. Alaves, J; Afonso, A. (2019). Tax structure for consumption and income inequality: an empirical assessment, Series, pp. 337-364.
۳۲. Bhatti, A & Batool, Z. and Naqvi, H.A (2015). Impact of taxes and transfers on income inequality and budget deficit: A CGE anylysis for Pakistan.
۳۳. Bulir, A. & A.M. Gulde (1995). Inflation and income distribution – further Evidence on empirical Links. IMF Working Papers. No. 95/86. Washington: International Monetary Fund.
۳۴. Biswas, S. & Chakraborty; I. and Hai, R (2017). Income Inequality, Tax Policy, and Economic Growth, Economic Journal. Pp. 688-727.
۳۵. Blank, R. & A. Blinder. (1986). Macroeconomics, income distribution and poverty. Danziger, S. and Weinger, D. (eds.), Fighting Poverty: What Works and What Doesn't, Cambridge, MA, Harvard University Press.
۳۶. Gala, William G (2014), Effects of Income Tax Changes on Economic Growth, Economic studies at Brookings.
۳۷. James M. Poterba (2007), Income inequality and income taxation, Journal of Policy Modeling, pp. 623-633.